

مین

کامبوزیا کوردجان

مرز نشین

روایت قربانیان مین در مناطق آلوده

عیسی بازیار



مین کابوس کودکان مرزنشین

روایت قربانیان مین در مناطق آلوده

عیسی بازیار

۱_ مقدمه

۲_ تاریخچه مین

۳_ کنوانسیون اتاوا

۴_ آگهی رسانی از خطرات مین

۵_ حصار کشی و علامتگذاری

۶_ مسئولیت نهاد ملی مین در قبال قربانیان مین

۷_ نهاد های غیر دولتی و همکاری آنان با مسئله مین

۸_ ماده دو استانداردی و مشکلات بازماندگان و مصدومان مین

۹_ اختلالات روانی پس از حادثه PTSD

۱۰_ روایت تصویری تعدادی از قربانیان مین

۱۱_ منابع



تاریخچه مین

Mina مین به معنای vein of ore که از مصدر خارج کردن مواد معدنی از زمین گرفته شده است ارزانتترین سلاح جنگی است که انفجاری و در بعضی انواع که برای هشداری بکار میروند احتراقی تولید شده اند و برای حفاظت از مکان های ویژه مثل مرزها و پایگاه های نظامی یا محدود کردن حرکت دشمن (در مناطق جنگی) و در دو نوع کلی زمینی و دریایی، ساخته شد و هر روز بر پیچیده گی در ساخت این جنگ افزار افزوده میشود هم اکنون در سوریه و افغانستان مین های موسوم به بچه کش یافت شده اند که کمپانی های ساخت مین ها را در اشکال رنگی و متنوع میسازند و باعث جلب توجه کودکان میشود و قربانیان این نوع تنوع رنگ و شکل اغلب کودکان هستند .

(Baby killer)

تصویر



سابقه استفاده انسان ها از شکل های نخستین این سلاح به رم باستان بازمی گردد، زمانی که جنگجویان رومی بر سر راه دشمنان حفره های کوچکی به اندازه یک کف پا کنده و در آنها میخ های تیز پر می کردند، سپس روی حفره ها را می پوشاندند. بعدها اروپایی ها در قرون وسطی گودال های کوچکی کنده و داخل آنها میخ های چهار شاخی به نام «کالتروپ» می ریختند تا حرکت صفوف دشمن را مختل کند .

بر پایه متون تاریخی چینی ، شخصی به نام «ژوگ لیانگ» از پادشاهی «شو» در چین (قرون سوم میلادی) گونه ای از مین های زمینی کوزه ای که غشای سفالی داشتند را

اختراع کرد که قابلیت انفجاری داشتند. متون دیگری نیز حاکی از استفاده چینی ها از مین های زمینی انفجاری علیه حملات مغول ها در سال ۱۲۷۷ پس از میلاد هستند .

در حدود قرن چهارده یا پانزده میلادی، سلسله مینگ موفق شد گونه مدرن تری از مین را که با پودر سنگ و باروت ساخته می شد، به کار گیرد که برای ازپای انداختن سواره نظام بکار میرفت {۱}

در اواخر قرن پانزدهم میلادی در شهر آگزبرگ (جنوب آلمان، ایالت باواریا) یک مهندس نظامی به نام ساموئل زیمرمان نوعی مین انفجاری موسوم به «فلادرماین» را اختراع کرد که قدرت انفجاری بسیار زیادی داشت. این گونه مین تا اواخر قرن ۱۹ کاربرد گسترده ای داشت که از جمله موارد استفاده آن می توان به جنگ های داخلی اروپا در قرن ۱۸، انقلاب آمریکا (استقلال طلبان) و جنگ شمال و جنوب (جنگ داخلی آمریکا) اشاره کرد .

اولین نوع مین های انفجاری ضد نفر که به لحاظ مکانیزم مکانیکی بسیار مدرن بودند توسط نیروهای ژنرال گابریل رینز در جریان نبرد «یورک تاون» در سال ۱۸۶۲ ساخته شد. این مین ها به فیوز برقی (چاشنی الکتریکی) مجهز بودند و از قابلیت انفجار کنترل شده (از راه دور و با نیروی اپراتور خودی) برخوردار بودند. ارتش آلمان در جنگ جهانی اول موفق شد طراح های بسیار مدرن تری از این مین های فیوزدار را ارائه کند .

در مقابل نیروهای انگلیسی ها نیز دست به کار ساخت نوعی از مین های زمینی شدند که حاوی گازهای سمی بود و می توانست علاوه بر نیروی نابودکننده حاصل از انفجار، شمار دیگری از سربازان را مسموم کند. نیروی تخریبی این مین ها آن قدر بالا بود که شوروی تا دهه ۸۰ نیز به تولید آن مبادرت می ورزید. مین های شیمیایی در ادامه راه را برای تولید مین های هسته ای هموار کردند که در حال حاضر در ارتش بریتانیا و آمریکا ساخته می شوند ولی گزارشی از استفاده مین های هسته ای در جای دیده نشده است .

باتوجه به اینکه بیش از سیصد وچهل نوع مین در دنیا وجود دارد که به سربازان همیشه بیدار معروف شده اند

(Soldier that never sleeps)

ساده ترین و پرکاربرد ترین مین ها فقط شامل مواد منفجره ارزان قیمت مانند TNT هستند که در ۱۰ الی ۲۰ سانتی متری خاک بکار گذاشته میشوند و اگر در عمق بیشتری قرار بگیرند خاصیت مخرب آنها کاهش پیدا خواهد کرد. ولی در اثر گذشت زمان ممکن است تا عمق بیش از چند متر جابجا شوند که باز هم میتوانند تا سالها خطر ساز شوند

مهمات منفجر نشده و ضایعات جنگی

UNEXPLODED ORDNANCE (UXO)

مهمات منفجر نشده جنگی شامل انواع و اقسام مواد منفجره ای هستند که در میدان جنگ از آنها استفاده می شده اما پس از جنگ از آن محل خارج نشده اند. این مهمات شامل گلوله ها، نارنجک های عمل نکرده، گلوله های توپ و غیره می شود این نوع مهمات به منظور انفجار در هنگام استفاده طراحی شده اما گاهی عمل نکرده و در محل باقی خواهند ماند. مهمات عمل نکرده در شکلها، سایزها و انواع مختلفی هستند عمدتاً از جنس فلز بوده که هنگام انفجار

قطعات ترکش را در محیط پراکنده می کنند مهمات عمل نکرده عمدتاً مخرب تر از مینها هستند مثلاً یک بمب منفجر نشده تا شعاع ۱۰۰۰ متری و (یا یک گلوله خمپاره معمولی تا شعاع ۳۰۰ متری کشندگی دارد. نکته مهم این است که مهمات عمل نکرده خصوصاً نارنجک دارای جذابیت از جهت کنجکاو بیچه هاستند، کودکان معمولاً آن را از کمر بندشان آویزان میکنند تا دوستانشان تحت تاثیر آنها قرار گیرند. بیچه هاستند می دانند که باید ضامن آن را بکشید تا انفجار آن را ببینند. و یا به علت فقر مادی از این بقایای انفجاری برای کسب درآمد و فروش ضایعات آهن و المونیوم استفاده میشود که در موارد بسیار زیادی در بین کودکان و زنان باعث خسارات جبران ناپذیری شده است.

کشورها و کمپانی های تولید کننده مین

آسیب هایی که مین های زمینی به افراد وارد می کردند کشورها را برانداخت که قوانین و مقرراتی را برای منع بکارگیری مین های زمینی بکار ببرند که در سال ۱۹۷۷ در کشور کانادا معاهده ای بین بیشتر کشورهای عضو سازمان ملل به امضا رسید که به کنوانسیون اتاوا معروف شد

کنوانسیون اتاوا

(MBT) معاهده ی منع بکارگیری مین

توجه :

این کنوانسیون شامل منع کامل درباره ی بکارگیری ، انبار ، تولید حتی بعنوان وسیله ای برای انهدام و (APMs) انتقال مین های ضدنفر همراه با اهداف (APMBC) تخریب می باشد. بند ۵ این کنوانسیون استانداردهای بین المللی عملیات مین زدایی الزامات تخریب مین های را در محل میدان مین معرفی کرده است. در بند ۶ خواسته (APMs) ضدنفر شده تا طبق این کنوانسیون اقدامات شفاف سازی برای تعیین دقیق محل مین گذاری شده یا احتمالاً مناطق مین گذاری شده انجام پذیرد و آگاهی لازم به جمعیت محلی داده شود. در ادامه کاستی های این بند از کنوانسیون اتاوا برابر با استاندارد سازی های بین المللی در مناطق الوده به مین ایران توضیح داده خواهد شد .

تا اکنون ۱۶۲ کشور در دنیا به این معاهده پیوسته اند و ۳۱ کشور عضو سازمان ملل در این معاهده نیستند و از بین این ۳۱ کشور ۱۷ کشور به ساخت مین مبادرت ورزیده و به کارمیرند

در میان سه کشور اول الودگی در دنیا به ترتیب مصر ایران و افغانستان مصر و ایران عضو معاهده اتاوا نیستند

عمده ترین تولید کنندگان مین در جهان کمپانی های چند ملیتی مانند غول اقتصادی امریکا General Electric و یا شرکت Fiat ایتالیا و یا کمپانی Tecnovar باز هم ایتالیای که سالانه صدها میلیون دلار سود را تنها از راه ساخت مین و فروش ان به جنگ سالاران عایدشان میشود {۲}

نبود ضمانت اجرایی برای مصوبات شورای حقوق بشر و قدرت لابی های متعلق به این

کمپانی‌ها در جهان سیاست کار را برای فعالان حوزه منع بکارگیری مین‌ها را سخت کرده‌اند. قدرت این کمپانی‌ها و دولت در سطح بین‌المللی از فعالین ضدمین و حتی سازمان‌های که در این رابطه فعالیت میکنند بیشتر است و بیشتر بودجه این سازمان‌ها را همان کشورهای سازنده مین تامین میکنند و این باعث گردیده که زبان انتقاد این سازمان‌های غیر دولتی نسبت به این کشورها و کمپانی‌ها کند تر باشد.

بیش از ۸۰ کشور مستقیم درگیر تبعات مین هستند از الوده‌ترین کشورهای دنیا: مصر، ایران افغانستان عراق برمه لائوس موزامبیک کلمبیا قبرس نپال بوسنی کراوسی نپال

وسری لانکا را میشود نام برد {۳}

آمار دقیقی از تعداد مین‌های کاشته شده و یا در انبارهای نظامی وجود ندارد ولی تخمین زده میشود تا ۲۰۰ میلیون مین در جهان ساکنین کره زمین را تهدید میکنند.

خطرات مین و صدمات انفجار مین بر افراد

در انفجار مین عمده آسیب‌ها به افراد را در قسمت‌های تحتانی بدن صورت می‌گیرد مگر در مواردی که شخص به دستکاری مواد منفجره و مین می‌پردازد قفسه سینه و اندام فوقانی و چشمها در معرض آسیب قرار می‌گیرند.

عمده آسیب‌ها در تحقیقات انجام شده بر جامعه هدف که شامل صد تن از مصدومان مین در ۵ استان الوده به مین و گلوله‌های عمل‌نکرده بوده به ترتیب ذیل بوده است

۱_ قطع پاها و آسیب شدید اندام تحتانی در حالت ایستاده

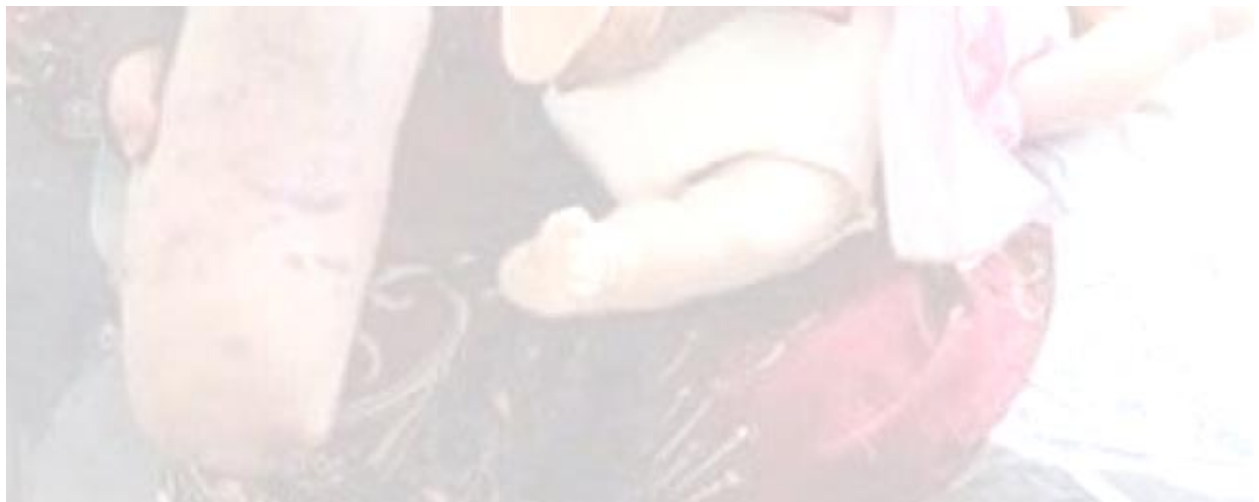
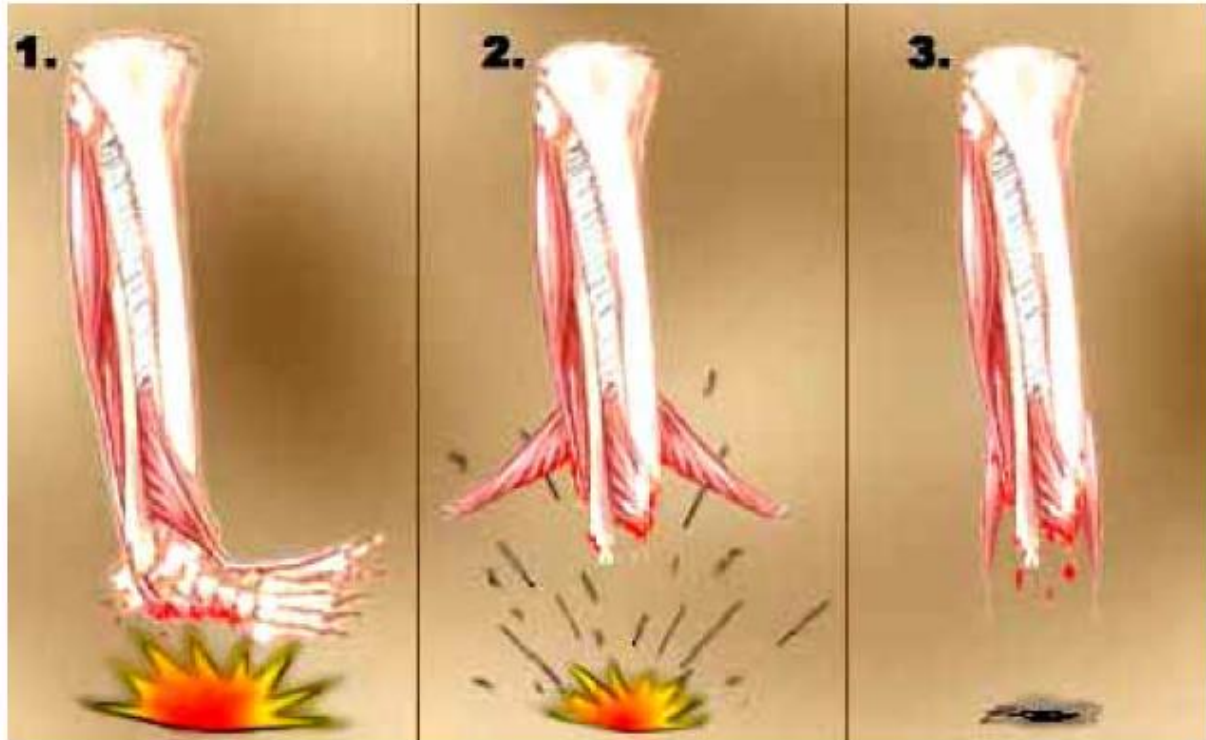
۲_ آسیب دست و صورت به علت دستکاری یا افتادن بر روی مین

۳_ زخمهای ناشی از ترکش‌ها

۴_ سوختگی ناشی از حرارت انفجار

۵_ عوارض ناشی از موج انفجار و استرس بعد از حادثه PTSD

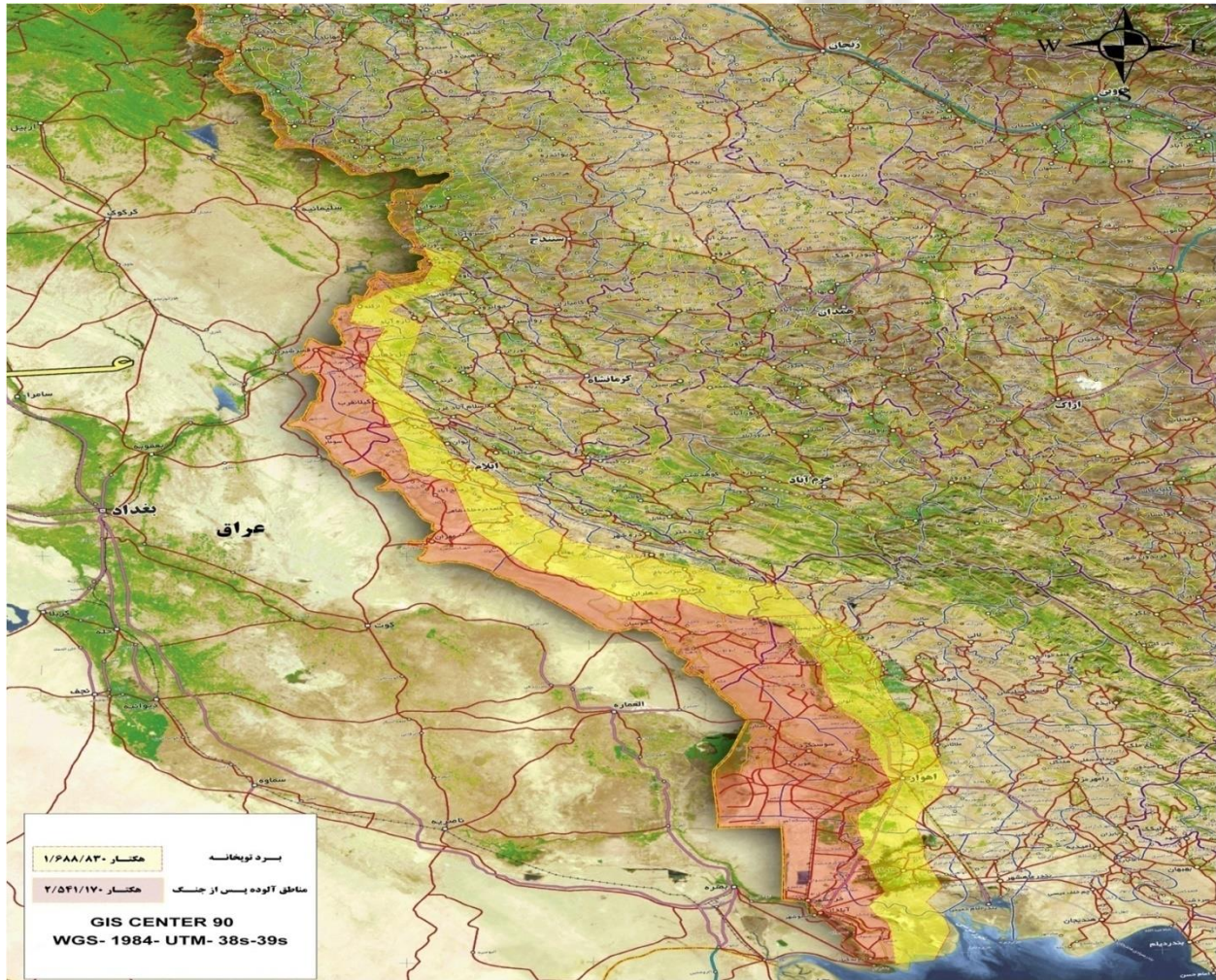
در این کتابچه بیشتر به ابعاد زندگی مصدومین و قربانیان مین در بعد از انفجار پرداخته
وسعی بر پیشگیری برای حوادث بعدی میباشد



در ۵ استان الوده در شمال غرب غرب و جنوب غرب کشور مساحتی بیش از ۴ میلیون هکتار الودگی به مین و مهمات عمل نکرده وجود دارد که بنابر تخمین بیش از ۲۰ میلیون تیر مین در این مساحت الودگی وجود داشته است که بعد از پایان مخاصمه ۸ساله بین ایران و عراق کارپاکسازی در سالهای بعد از جنگ بصورت ملیتاری و در ادامه بصورت سازمان یافته و در قالب نهاد ملی مین یعنی مرکز مین زدایی ادامه پیدا کرد .

سال	استان	۱۹۸۸	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
خوزستان	۶Km۱۵۰۰۰	۶Km۱۰۵۶۸	۶Km۱۵۲	۶Km۴۲۶۹	۶Km۱۶۲	۶Km۲۵	
ایلام	۶Km۱۷۰۰۰	۶Km۱۱۴۳۰	۶Km۱۱۰	۶Km۵۱۴۱	۶Km۴۲۹	۶Km۲	
کرمانشاه	۶Km۷۰۰۰	۶Km۴۷۳۲	۶Km۲۲۶۸	۶Km۲۱۷۳	۶Km۵۹	-	
کردستان	۶Km۱۵۰۰	۶Km۱۳۹۰	۶Km۵۵۷۰	۶Km۱۰۸	۶Km۲	-	
آذربایجان غربی	۶Km۱۵۰۰	۶Km۱۳۴۸	۶Km۴۴۳۲	۶Km۱۴۹	۶Km۴	-	
جمع کل	۶Km۴۲۰۰۰	۶Km۲۹۴۶۸	۶Km۱۲۵۳۲	۶Km۱۱۸۴۰	۶Km۶۹۲	۶Km۲۷	

مناطق زرد رنگ مناطق آلوده به UXO و مناطق صورتی رنگ مناطق آلوده به مین نقاط قهوه ای پایگاه های موردی آلوده به مین



بنابر امار وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران که برای اولین بار توسط نگارنده انتشار پیدا کرد بیش از ۸ هزار قربانی مین از سال ۱۳۶۷ تا کنون در هرینج استان بر اثر انفجار مین کشته و زخمی شده اند

متوسط کشته سالیانه از ۶۷ تا پایان ۸۸ : ۱۰۹

متوسط کشته سالیانه از ۸۹ تا پایان ۹۱ : ۱۳

میزان کاهش در سه سال اخیر نسبت به سنوات گذشته : ۸۸٪

متوسط مجروح سالیانه از ۶۷ تا پایان ۸۸ : ۲۴۶

متوسط مجروح سالیانه از ۸۹ تا پایان ۹۱ : ۶۱

میزان کاهش در سه سال اخیر نسبت به سنوات گذشته : ۷۵٪

نمودار کلی قربانیان مین در هر ۵ استان از پایان جنگ تا انتهای سال ۱۳۹۰

ردیف	سال	تعداد مجروحین			تعداد کشته شدگان		
		زن	مرد	مجموع	زن	مرد	مجموع
۱	۱۳۶۷	۲۳	۱۴۲	۱۶۵	۱۲	۱۰۰	۱۱۲
۲	۱۳۶۸	۲۴	۱۲۳	۱۴۷	۸	۶۵	۷۳
۳	۱۳۶۹	۲۰	۱۵۶	۱۷۶	۷	۸۲	۸۹
۴	۱۳۷۰	۱۸	۱۵۵	۱۷۳	۱۱	۷۲	۸۳
۵	۱۳۷۱	۱۲	۱۲۹	۱۴۱	۱۱	۶۶	۷۷
۶	۱۳۷۲	۱۰	۱۲۲	۱۳۲	۳	۵۸	۶۱
۷	۱۳۷۳	۵۲	۳۰۵	۳۵۷	۳۲	۱۳۱	۱۶۳
۸	۱۳۷۴	۵۲	۴۹۹	۵۵۱	۲۰	۳۴۷	۳۶۷
۹	۱۳۷۵	۴۷	۵۳۵	۵۸۲	۱۷	۲۸۴	۳۰۱
۱۰	۱۳۷۶	۱۷	۳۹۷	۴۱۴	۱۰	۱۸۱	۱۹۱
۱۱	۱۳۷۷	۲۵	۳۱۳	۳۳۸	۸	۱۲۷	۱۳۵
۱۲	۱۳۷۸	۳۰	۲۶۹	۲۹۹	۹	۱۰۵	۱۱۴
۱۳	۱۳۷۹	۲۹	۲۱۳	۲۴۲	۱۳	۷۹	۹۲
۱۴	۱۳۸۰	۲۳	۲۱۴	۲۴۷	۵	۸۲	۸۷
۱۵	۱۳۸۱	۲۰	۲۴۲	۲۶۲	۴	۷۱	۷۵
۱۶	۱۳۸۲	۱۰	۱۵۶	۱۶۶	۳	۵۸	۶۱
۱۷	۱۳۸۳	۷	۱۲۶	۱۳۳	۶	۸۵	۹۱
۱۸	۱۳۸۴	۱۴	۱۵۳	۱۶۷	۱	۶۱	۶۲
۱۹	۱۳۸۵	۲۳	۲۳۵	۲۵۸	۳	۲۸	۳۱
۲۰	۱۳۸۶	۶	۱۲۷	۱۳۳	۲	۳۴	۳۶
۲۱	۱۳۸۷	۱۳	۱۶۴	۱۷۷	۴	۴۵	۴۹
۲۲	۱۳۸۸	۶	۱۵۲	۱۵۸	-	۳۴	۳۴
۲۳	۱۳۸۹	۱۱	۸۸	۹۹	۳	۲۱	۲۴
۲۴	۱۳۹۰	۴	۵۶	۶۰	-	۱۰	۱۰
۲۵	۱۳۹۱	۲	۲۲	۲۴	-	۵	۵
	جمع	۴۹۸	۵۱۰۳	۵۶۰۱	۱۹۲	۲۴۴۱	۲۶۳۳

آموزش خطرات مین

پروسه پاکسازی مین تنها به مین روبی محدود نمیگردد "بلکه انسانها و جوامع آنها را تحت تاثیر الودگی مین های زمینی و مهمات بجا مانده از جنگ قرار میدهد هدف عملیات مین زدایی کاهش خطرات ناشی از انفجار مین های زمینی و مواد منفجره بجا مانده از جنگ است تا جایی که مردم تحت خطر بتوانند زندگی بدون ترس از انفجار مین را داشته باشند و فعالیت های اقتصادی . اجتماعی . و بهداشتی در پایین ترین سطح از استرس ناشی از انفجار مین و بقایای جنگی را برآورده نموده و نیازهای قربانیان احتمالی آنها شناسایی گردد . و برای رسیدن به این مطلوب عملیات پاکسازی بغیر از پروسه مین زدایی لازم است که نهاد ملی مین هرکشور الوده در کنار این کار ۵ گروه دیگر را فعالانه در کار پاکسازی داشته باشد

۱_ آموزش خطر مین

۲_ مین روبی بشر دوستانه بطور مثال : شناسایی مین و مواد منفجره بجا مانده از جنگ نقشه برداری . علامت گذاری مناطق الوده و پاکسازی

۳_ کمک به قربانیان انفجار مین از جمله اسکان و ساماندهی دوباره ایشان

۴_ تخریب مهمات انبار شده

۵_ موضع گیری در برابر بکارگیری مین های ضدنفر

فعالیت های دیگری نیز برای رسیدن به یک جامعه مطلوب و عاری از مین و پشتیبانی از پنج فعالیت مربوط به عملیات مین زدایی نیاز میباشد از جمله ارزیابی و برنامه ریزی تجهیز قوا و اولویت بندی منابع. مدیریت اطلاعات و دایر کردن سیستم اطلاعات یکپارچه خطر مین و قابل دسترس بودن آن و ارتقا سطح مهارت های انسانی در رده مدیریت و افراد آموزش دهنده. مدیریت کیفیت یا QA و QC و در نهایت بکارگیری تجهیزات به روز شده و ایمن بر طبق استانداردها

در روند عملیات پاکسازی میادین مین درجهان، قوانین کامل و مدونی تحت نظارت ۱۶ سازمان پاکسازی کننده و ناظر تدوین شده است که به اختصار آیمس (IMAS) نامیده می شود، که شامل بخش های زیادی از ابتدای کار پاکسازی تا انتهای آن را در برمی گیرد و تمام کشورهای آلوده به مین از این استانداردهای قراردادی استفاده می کنند. عملیات مین روبی مانند هر تخصصی، دارای استانداردهای بین المللی و واژگان منحصر به این تخصص است

IMAS یا استانداردهای عملیات مین زدایی این بخش مربوط به آگاهی رسانی از خطرات مین MRE را در-IMAS ۵۰/۰۸ گردآوری و در اختیار نهاد ملی در هر کشور الوده به مین قرار داده شده است. در تشریح این استانداردها، به طور مشخص نهاد ملی مین موظف شده؛ ارائه گر و جمع آوری کننده ی اطلاعات تلفات انسانی و نحوه ی عملکرد بهینه در راستای پیشبرد جامع امر آگاهی رسانی از خطرات مین (MRE) و فرآیند ارزیابی کلی و کامل آن اطلاعات را برای برنامه های گسترده تر و نظارت و ارزیابی و توسعه سازمان آگاهی رسانی از خطرات مین به طور مداوم و نه برای یک بار به کار گیرد. در ایران این استاندارد ها بومی سازی شده است ولی متاسفانه هیچ یک از گروه های پاکسازی کننده اطلاعی از این استاندارد ها ندارند و طبق روال معمول خود کار پاکسازی را که مبنای میلیتاری (نظامی) دارد پیش می برند و همین امر باعث عدم دقت لازم در کیفیت پاکسازی شده است و در بخش مسئولیت های مدنی نهاد ملی مین نیز عملاً این استاندارد ها جایی در دستور کار مرکز مین زدایی ندارند به طور مثال:

در استانداردهای پاکسازی آیمس (استاندارد ۸,۰۵۰/۰) بخش آموزش، اطلاعات و راهکارهای زیادی را در جهت آموزش ساکنین مناطق آلوده به مین در نظر گرفته است. چند بخش از این قوانین به شرح ذیل است؛

۱. ارزیابی نیازها؛ هدف از ارزیابی نیازها در آموزش خطرات مین، داشتن اطلاعات ضروری و در اختیار گذاشتن همگانی برای آموزش خطرات مین است. در این قانون خطرات محلی مین و مواد منفجره به جای مانده از جنگ یا گلوله‌های عمل نکرده (UXO) تحت ارزیابی آموزش‌دهندگان یا مربیان آموزشی باید قرار گیرد. اطلاعات اولیه شامل اطلاعاتی است که به طور مستقیم از سطح منطقه جمع‌آوری می‌شود؛ و این امر می‌بایست مبنا و اساسی برای اخذ تصمیمات، درباره اولویت نیازها و پاسخ بهینه برای هدف نهایی و فعالیت‌های میدانی، نظارتی آینده را ایجاد کند. به طور مثال یک فرد ساکن مناطق مین‌زده، هر روزه در آن منطقه در رفت‌وآمد است و او بهتر از هر کسی به چگونگی آرایش میادین مین و حتی مختصات جغرافیایی آن وارد است و در نتیجه از پتانسیل این افراد به خوبی می‌توان استفاده نمود. در بخش دیگر این قانون مسوولیت‌های نهاد ملی عملیات مین‌زدایی (NMAA) به خوبی شرح داده شده است

در تبصره‌های این قانون مسوول بودن نهاد ملی مین در قبال شهروندان را شرح می‌دهد؛

۱. نهاد ملی مین باید تضمین نماید که نیازهای آموزش خطر مین با تسهیل و هماهنگی و نظارت در جمع‌آوری اطلاعات مطابق با استانداردهای بین‌المللی صورت گیرد.

۲. باید یک مرکز اطلاعاتی راه‌اندازی شود. این بانک اطلاعاتی باید در برگیرنده‌ی اطلاعات کامل و جامع از وضعیت منطقه، اطلاعات بخش‌های دیگری مانند بهداشت و رفاه را در برگیرد تا برای مربیان آموزشی کار آموزش آسان‌تر گردد. هم‌اکنون به علت وجود دلایل بسیاری از قبیل امنیتی بودن آمار مصدومین و مجروحین، هیچ‌کدام از آموزش‌دهندگان

در این سطح قرار ندارند و آموزش خطر مین به صورت رندوم (تصادفی) صورت می‌گیرد که این امر نه کافی و نه لازم است.

۳. سازمان‌هایی که آموزش خطر مین (MRE) را بر عهده دارند، می‌بایست تمام شرایط فوق را برابر با استانداردهای آیمس و استانداردهای بومی (در ایران هیچ استاندارد بومی وجود ندارد) را مطابقت داده و سنجیده و کم و کاستی‌های آن را جهت آموزش اصولی و پایین آوردن تلفات، به واسطه‌ی آموزش صحیح در یک سازمان اطلاعاتی، گردآوری و نسبت به تصحیح و به روزآوری آن اقدام نمایند.

حصارکشی و علامتگذاری مناطق آلوده

حصارکشی و علامتگذاری مناطق آلوده به مین، یکی از مهم‌ترین بخش‌های پاکسازی مین در دنیا است که توسط علایم قراردادی و علایم به زبان ساکنین بومی آن منطقه باید تهیه و نصب شود و رصد و بازرسی مداوم از این علامت‌ها جهت حفاظت از آن صورت گیرد. در کشور بوسنی و هرزگوین که سال‌ها درگیر مساله مین است، انجام این امر باعث شده که تلفات انسانی به حداقل ممکن برسد. علامتگذاری و حصارکشی در مناطق آلوده در بوسنی، کاملاً به صورت مکانیزه با نصب دوربین‌های ناظر و تکنولوژی پیشرفته صورت می‌گیرد. در ایران هیچ‌گونه علایم استاندارد برای میادین مین وجود ندارد و اگر در زمان احداث این میادین علامتی نیز وجود داشته، به علت فقر و دلایل دیگر، مردم بومی اقدام به فروش سیم‌های خاردار، دستک‌های آهنی و تابلوهای هشدار می‌کنند. عده‌ی زیادی از این افراد برای کسب سود بیشتر، قربانی مین‌ها شده‌اند.

در یک تحقیق توسط نگارنده که از صدتن از مصدومین مین به عنوان جامعه هدف پرسشگری شد نبود علائم هشدار دهنده باعث حوادث رخ داده در ۸۰ درصد قربانیان بوده است.



مسئولیت های نهاد ملی مین در قبال مصدومان

واژه مقام دولتی مسئول عملیات مین (NMAA) اغلب به کمیته ای در درون یک وزارتخانه که در یک کشور به آلودگی میادین مین قرارداد اطلاق می‌گردد که مسئولیت صدور دستور العمل ها، مدیریت و هماهنگی عملیات مین به وی واگذار می‌گردد. در ایران و در حکومت جمهوری اسلامی این وظیفه به مرکز مین زدایی تحت نظر معاونت مهندسی وزارت دفاع و شخص وزیر دفاع به عنوان عالی ترین فرد تصمیم گیری در این امر و بعد از آن معاون مهندسی وزارت دفاع و سپس در بخش اجرایی رییس مرکز مین زدایی مسئولیت این نهاد را بر عهده دارد

مرکز مین زدائی کشور MAC بخش عملیاتی NMAA می باشد که مشی های این سازمان را اجرا کرده و مدیریت روز به روز فعالیت های عملیات مین را بر عهده دارد.

یک حکومت ممکن است تصمیم بگیرد که برنامه عملیات مین را خودش بدون کمک سازمان ملل متحد یا هر سازمان بین المللی دیگری اجرا نماید. این تصمیم ممکن است بر اساس شناسایی و نیاز به انجام عملیات مین یا نیاز به اجابت پیمانها قراردادهای بین المللی اتخاذ

گردد.

ولی در هر صورت ملزم به رعایت این چنین پیمانها یا قراردادها شامل پیمان منع استفاده مین های ضد نفر سال ۱۹۹۷

APMB(زیا پیمان اتاوا، پروتوکل اصلاحی شماره ۲ برای ممنوعیت و یا محدودیت استفاده از مین ها، تله های انفجاری و سایر وسایل انفجاری و پروتوکل الحاقی شماره ۵ در مورد مواد منفجره باقیمانده از جنگ مربوط به پیمان سلاح های غیرمتعارف و پیمان منع استفاده از بمب های خوشه ای می باشند. جمهوری اسلامی معاهده اتاوا را امضا نکرده و پروتوکل الحاقی را نیز بکار نمیبرد {۴}

در استاندارد های پاکسازی در ۲/۱۰ AIMAS مسولیت مصدومان و خانواده قربانیان مین به طور واضح و روشن بر عهده نهاد ملی مین تعریف شده و مشخص گردید که مرکز مین زدایی برای تسهیل در امور مصدومان مین دفاتر محلی را نظر بگیرد :

۴-۳- کمک به قربانیان حوادث:

بر اساس ملزوماتی که در میان برنامه عملیات مین وجود دارد ممکن است نیاز به تاسیس یک زیرمجموعه تحت کنترل بخش عملیات مرکز مین زدایی جهت نظارت و هماهنگ کردن فعالیتهای سازمانهای کمک به قربانیان حوادث مین باشد و اگرچه معمولاً کمک به قربانیان حوادث مین احتمال بیشتری دارد که به وسیله یک ارگان خارج از سازمان مرکز مین زدایی با هدف کمک به قربانیان سایر حوادث که از جمله حوادث مین را پوشش میدهد مدیریت گردد.

در جمهوری اسلامی ایران مرکز مین زدایی هیچگونه دخالت یا کمکی برای بهبود وضعیت مصدومان مین به مانند آنچه در جاهای دیگر و کشور های الوده واقع است را در ایران انجام نمیگیرد و در توجیه این عمل مسئولان مرکز مین زدایی عنوان میکنند که مسولیت مصدومان با آنها نیست و نهاد های حمایتی مانند کمیته امداد یا بنیاد شهید مسولیت این کار را بر عهده دارند که در بخش بعدی به مسولیت این نهاد های حمایتی میپردازیم



نهاد های حمایتی مصدومان مین و کابوسی به نام ماده دو استانداری

در سال ۱۳۷۲ مجلس ، قانون برقراری حقوق وظیفه یا مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق این قانون در عمل با ۲۲ جنگی مراجعت نموده و به علت برخورد با مواد منفجره معلول یا فوت میشوند را تصویب نمود مشکلاتی مواجه شد که در نتیجه چندین بار اصلاح شد. ولی همچنان وضعیت حقوقی قربانیان مین ناخوشایند است به طوری که میتوان ادعا کرد در واقع حمایتی شایسته از آنها به عمل نمی آید. به دلیل تلفات انسانی گسترده، هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۳/۱۰/۴ بنا به پیشنهاد شماره -۴ ۷۲۴- ۱۰۵۰۱-

۱۶۲ مورخ ۱۳۷۳/۰۴/۲۸ وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و به استناد تبصره ۷ قانون برقراری حقوق وظیفه‌ها یا مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق جنگی مراجعت کرده و به علت برخورد با مواد

منفجره (مین) معلول یا فوت می‌شوند، آئین نامه اجرایی قانون فوق را تصویب نمود.

در ماده ۱ این آئین نامه اجرائی ذکر شده است، آن دسته از مهاجران و کسانی که در مناطق جنگی و یا در حال بازسازی بر اثر برخورد با مواد منفجره از قبیل نارنجک، مین، گلوله توپ و غیره، معلول و یا فوت می‌شوند با تشخیص کمیسیون موضوع ماده ۲ این آئین نامه با رعایت قانون در شمول خدمات حمایتی دستگاه‌های ذیربط - حسب مورد، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان، کمیته امداد امام خمینی (ره) - قرار می‌گیرند. مطابق تبصره ۴ قانون مصوب ۱۳۷۲ - اصلاحی ۳۱ مرداد ۱۳۸۹ مرجع تشخیص فوت، معلولیت، خسارت، ضدانقلاب موضوع این قانون کمیسینی میباید که بر طبق ضوابط بنیاد شهید و امور ایثارگران در فرمانداریهای مربوطه با ترکیب:

۱- فرماندار به عنوان رئیس کمیسیون ۲- مدیریت بنیاد شهید و امور ایثارگران ۳- ریاست اداره اطلاعات ۴- فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵- دادستان ۶- فرمانده هنگ مرزبانی یا مرزبان منطقه ۷- ریاست کمیته امداد امام خمینی ۸- پزشکی قانونی همانطور که ملاحظه می‌شود ترکیب نمایندگان حاضر در کمیسیون (قریب به اتفاق نمایندگان)، نمایندگی از جانب ارگانهای دولتی است. بنابراین حسب وظیفه این نمایندگان تکلیف دارند که از منافع دولت دفاع نموده و حتی الامکان کسی را به وظیفه بگیران آن اضافه ننمایند و علاوه بر آن هیچ ساز و کاری برای حمایت و دفاع از حقوق قربانیان مین در ترکیب کمیسیون پیش بینی نشده است و یا به عبارتی کمیسیون بدون حضور قربانی و یا نماینده (یا وکیل) او به اتخاذ تصمیم می‌پردازد. از طرفی دیگر یکی از مهمترین مشکلات قربانیان ناشی از مین، طولانی بودن رسیدگی به پرونده آنان است. چنانچه طبق گفته این قربانی به ان، تشکیل کمیسیون ماهها به طول می‌انجامد و این روند کند تماما ضرر مصدومین می‌باشد.

و از همه مهمتر عبارت "ضد انقلاب" مندرج در تبصره ۱ است که مشخص نیست انقلابی کیست و ضد انقلاب کدام است. پس از گذشت ۳۴ سال از پیروزی انقلاب مورخ ۱۹۷۹ گنجاندن کلمه ضد انقلاب صرفا بهانه دست افراد حکومتی میدهد که تعداد کثیری از مصدومین را محروم نمایند. احراز اینکه کسی اگر روی مین رفته و مجروح یا فوت شده

است، کفایت می کند و وجود شروط دیگر خصوصا غیرمنطقی باشد، مانند اثبات غیر عمدی بودن حادثه (ثابت کردن اینکه کسی عمدا مین پا بگذارد) یا انقلابی بودن روی با توجه به جمیع شرایط با مشکلات عدیده ای وجهه قانونی و منطقی ندارد. {۵}

چراکه اثبات یا ادعای چنین مواردی معمولا مواجه و باعث پایمال شدن حقوق شهروندی قربانیان می شود و همانطور که از ترکیب اعضای کمیسیون برداشت می شود هیچ کس در آن کمیسیون نیست که از حقوق قانونی قربانیان دفاع نماید. مسئولیت مدنی دولت برای جمع آوری مین و سایر ادوات جنگی پس از گذشت بیش از ۲۵ سال از پایان جنگ تحمیلی محرز و مشخص است، دولت مکلف بوده که مین ها را از مناطق پاکسازی نماید. در صورت عدم توانایی به دلیل حجم گسترده آلودگی دولت موظف بود که مناطق آلوده را علامت گذاری نموده و محدوده آن را تعیین نماید و با استفاده از تمامی ابزار اطلاع رسانی، این موضوع را به اطلاع ساکنین برساند. این اتفاق به هر دلیلی انجام نگرفته است، بنابراین اگر در اثر عدم انجام مسئولیت قانونی به کسی خسارت وارد آمده، باید جبران شود و این یکی از علل درخواست خسارت برای قربانیان مین می باشد. یکی از موانع بر سر راه احقاق حق قربانیان اختلاف نظر در مورد اطلاق این قربانیان به لفظ شهید است، چراکه برخی بر این عقیده استوارند که شهادت عملی آگاهانه است و فرد با علم به کشته شدن عازم صحنه های نبرد می شود.

بنابراین جایز نیست به کسانی که در بی خبری قربانی تبعات جنگ می شوند، لفظ شهید اطلاق شود. اما نباید فراموش کرد که درحقیقت مصدومین مین قربانیان شرایط جنگ و پیامدهای آن هستند که به هر حال و به هر اسمی که آنان را بنامیم باید دولت خسارات آنان را پرداخت کند.

به علاوه بالا بودن هزینه درمان و عواقب ناشی از نقص عضو و معلولیت زندگی قربانیان مین را با مشکل مواجه میسازد. مهمتر از همه آنکه اکثر قربانیان مین کودکان هستند، در نتیجه بر اثر حادثه در صورت معلولیت، از جست و خیزهای کودکانه باز داشته میشوند و از این رو ممکن است از لحاظ روحی نیز صدمه ببینند.

حال با توجه به اینکه این مصدومان عضوی را از دست داده اند و دچار صدمات غیر قابل بازگشتی مانند قطع عضو و یا صدمات جبران ناپذیر روحی شده اند غم نان و معیشت درد مضاعفی خواهد بود که مصدوم را تا سرحد نابودی خواهد کشاند

در یکی از این موارد فردی که در ابتدای دهه هفتاد در منطقه گیلان غرب و در نزدیکی

مرز عراق با مین برخورد نموده و چون نیروهای عراقی او را میابند و به عراق برده و بنابر احساس انساندوستانه او را درمان میکنند و بعد از مدت کوتاهی به ایران بازگردانده میشود ..

جلیل محمدی قریب ۱۹ سال پیگیر پرونده و کمک های دولتی بود که تا اکنون به هیچ سرانجامی نرسیده و دیگر پیگیر روند پرونده خود نیست و هیچ کمکی از دولت به بهانه های مختلف دریافت نمیکند

نمونه رای دادگاه های بدوی و تجدید نظر

دیوان عدالت اداری

تاریخ: 02 آبان 1390

کلاس پرونده: 662/90

شماره دادنامه: 317

موضوع رای: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای جلیل محمدی فرد

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره دادنامه: 317

تاریخ دادنامه: 02/08/1390

کلاس پرونده: 90/662

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای جلیل محمدی فرد

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: آقای جلیل محمدی فرد به موجب لایحه تقدیمی معاداً اعلام کرده است که شعب دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراض اشخاص نسبت به تصمیمات اتخاذ شده در کمیسیون « ماده 2 آییننامه اجرائی قانون برقراری حقوق و طبقه با مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق جنگی مراجعت میکنند و به علت برخورد با مواد منفجره معلول یا فوت میشوند» آراء متناقضی صادر کرده‌اند. بدین نحو که شعبه 26 دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایت این جانب حکم به رد شکایت صادر کرده است در حالی که شعب 25، 24، 21، 15، 12، 3 و 2 دیوان عدالت اداری در پرونده‌های کلاس 25/87/1473، 25/87/1472، 25/86/477 و 85/25/289، 24/88/2637 و 80/15/1292 و 81/12/2073 و 83/3/1067 و 80/2/2412 به وارد دانستن شکایت شکات حکم صادر کرده‌اند و با توجه به مراتب یاد شده رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه را خواستار شده است.

گردش کار تعدادی از پرونده‌های مورد اعلام تعارض به شرح زیر است:

الف: شعبه 26 دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره 8909980900016650 با موضوع دادخواست آقای جلیل محمدی به طرفیت استانداری کرمانشاه و به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون «ماده 2 آییننامه اجرائی قانون برقراری حقوق و طبقه با مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق جنگی مراجعت میکنند و به علت برخورد با مواد منفجره معلول یا فوت میشوند» به موجب دادنامه شماره 8909970902601053 مورخ 27/9/1389 معاداً به شرح آینده به انشاء رأی مبادرت کرده است: « نظر به محتوای پرونده و ملاحظه لایحه مشتمل بر عین ثبت شده به شماره 728 مورخ 7/9/1389 و نظر به این که شاکی در تاریخ 15/9/1372 مجروح شده است و کلیه مدارک بالینی موجود در پرونده معلولیت شاکی به زبان عربی و از سوی مقامات پزشکی عراق صادر شده است که دلالت بر تردد غیر مجاز شاکی دارد. لذا ایراد موثر و موجهی که موجب نقض رأی اعتراضی به شود اقامه نشده است. لذا شکایت شاکی را وارد نمانسته قرار رد آن را صادر و اعلام می‌دارد رأی صادر شده قطعی است. »

<http://www.divan-edalat.com/print.php?page=afshar&id=3858>

1/3

و حکم دیوان عدالت

اداری در مورد این مصدوم

صورت نگرفته است و ادعای شاکای نیز مضمون از اعتراض باقی مانده است. رابعاً: اداره طرف شکایت هیچ دلیل موجه و محکمه پسندی ال بر این که حادثه موصوف در اثر سهل انگاری و دست کاری صورت گرفته ارائه نشده است. علی‌هذا و بنا به مراتب فوق مستنداً به قانون برقراری حقوق وظیفه با مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق جنگی مراجعت می‌کنند و به علت برخورد با مواد منفجره معلول یا فوت می‌شوند. مصوب مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه مربوط. ضمن ابطال رأی معترض‌به صادر شده از کمیسیون ماده 2 استانداری کرمانشاه، حکم به ورود شکایت شاکای صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادر شده طرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در مرجع تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است."

رأی یاد شده به موجب دادنامه شماره 972 مورخ 30/8/1385 شعبه 10 تجدیدنظر دیوان عدالت اداری عیناً تایید و استوار شده است. شعبه 3 دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده کلاسه 83/3/1067 با موضوع دادخواست آقای سیاوش اکبری به طرفیت استانداری کرمانشاه و به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون مورد بحث و به موجب دادنامه شماره 2963 مورخ 26/10/1383 مفاداً به شرح آینده به انشای رأی مبادرت کرده است:

" اعتراض شاکای به رأی مورخ 12/4/1380 کمیسیون مستقر در استانداری کرمانشاه مبنی بر سهل انگاری و دست کاری مواد منفجره به وسیله سیاوش اکبری واقع در منطقه آزاد وارد به نظر می‌رسد زیرا در رأی صادر شده هیچ گونه دلیل قانع کننده و مدرک معتبری که دلالت بر دستکاری مصدوم و یا سهل انگاری از ناحیه وی داشته باشد به نظر مشهود و قابل ملاحظه نبوده است و از مجموع محتویات پرونده و خصوصاً گزارش پاسگاه و صورت مجلسهای تنظیمی احراز نمی‌شود، چون به هر تقدیر رأی صادر شده بدون مبنای مستند و مستند اصدار یافته است. بنابراین رأی مزبور مخدوش و اعتراض نسبت به آن موجه تشخیص و به ورود شکایت و ابطال نظریه کمیسیون ماده 2 مستقر در

استانداری کرمانشاه رأی صادر و اعلام می‌دارد. "

رأی یاد شده به موجب دادنامه شماره 1323 مورخ 4/5/1384 شعبه 11 تجدیدنظر دیوان عدالت اداری عیناً تایید و استوار شده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤسا، مستشاران و داورسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیأت عمومی

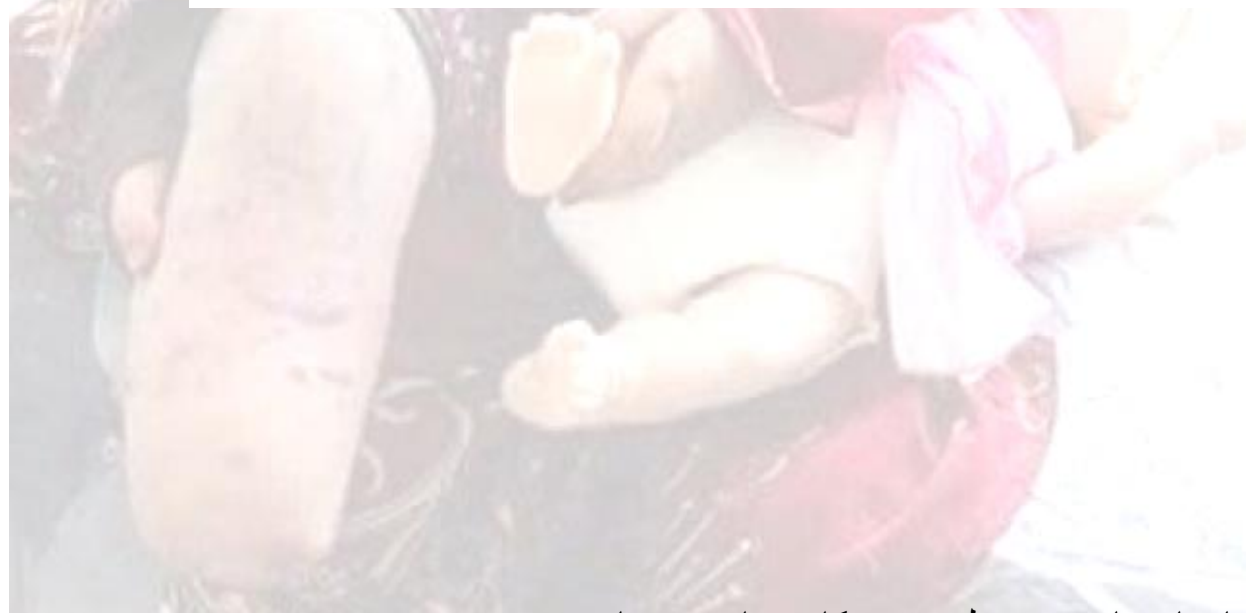
در خصوص اعلام تعارض آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری به شرح مندرج در گردش کار، نظر به این که در پرونده‌های فوق‌الذکر بر اساس مندرجات دادخواست و اسناد و مدارک و سایر خصوصیات هر پرونده انشاء رأی شده است و تفاوت مدلول آنها مبتنی بر استنباط متفاوت از حکم واحد قانونگذار به نظر نمی‌رسد، بنابراین فضا از مصادیق آراء متناقض موضوع بند 2 ماده 19 و ماده 43 قانون دیوان عدالت اداری تشخیص نمی‌شود./

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمدحسین منتظری

این مطلب از سایت دیوان عدالت اداری چاپ شده است.

نشانی مطلب : <http://www.divan-edalat.ir/show.php?page=ahoshow&id=8858>



سازمان های غیر دولتی و همکاری با مصدومان مین

هرگونه فعالیتی در حوزه مین باید با هماهنگی حاکمیت و تصمیم به برقراری یک پیمان همکاری از طرف دولت و نهاد ملی مین با سازمان های جهانی فعال در پاکسازی بشر دوستانه صورت بگیرد. یک دولت ممکن هرگز نخواهد که کمکی از طرف سازمان ملل برای پاکسازی مین داشته باشد. اما در صورت وجود این همکاری: «
هرگونه تصمیمی که بخواد بر روی عملیات مین که قیومیت آنها بر عهده سازمان ملل متحد می باشد یا پشتیبانی آن برنامه های مین، بر عهده سازمان ملل متحد گذارده شده است

باید با شناسایی رسمی موقعیت کشور اخذ شود که ممکن است شامل: ماموریت شناسایی نگرانیهای کشور برای تعیین کردن درمرحله اول، اندازه و میزان اثرات مخرب ناشی از موقعیت میادین مین باشد IMAS شماره ۰۸/۱۰ برای شناسایی عمومی عملیات مین و IMAS شماره ۰۵/۱۰ برای جزئیات اطلاعات پیرامون جنبه های مختلف مدیریت ماموریت های شناسایی مورد مطالعه قرار گیرد. شناسایی عملیات مین بایستی تعیین نماید که آیا برنامه اجرایی عملیات مین در کشور مورد نیاز میباشد؟ و آیا انجام چنین برنامه ای امکان پذیر هست؟ شناخت کامل هرگونه عملیات مین به ویژه آن دسته از عملیات مین که مبتنی بر جامعه می باشد الزامی است. وبعد از پایان تحقیقات اولیه همکاری با سازمان ملی مین یا مرکز مین زدایی و در صورت نبود این سازمان ها با خود حاکمیت وارد مذاکره شده و خدمات بسیاری را در جهت تحقق امر آزادسازی زمین و پاکسازی مطلوب به کشور الوده بدهد اما اکنون که روی سخن و موضوع این گزارش حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران است لازم به تشریح جزییات کمک های بین المللی نیست چون جمهوری اسلامی هیچ گاه گزارش کامل و مبسوطی از ذخائر مین خود یا حتی مقدار پاکسازی شده و آزاد شده در اختیار سازمان ملل و کمیته خلع سلاح قرار نداده است ..

نقش سازمان های غیر دولتی در همکاری با مرکز مین زدایی ایران

به دلیل نگاه امنیتی به همه ابعاد پاکسازی مین در ایران مرکز مین زدایی هیچ گونه همکاری با نهاد های غیر دولتی ندارد چون اصولا نهاد غیر دولتی یا NGO مستقلی در این زمینه وجود ندارد در سال ۱۳۸۳ نهاد مشارکت در پاکسازی مین توسط خانم دکتر شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل در تهران افتتاح شد و در راستای آموزش خطرات مین کمک به مصدومین و از همه مهمتر تسریع و تشویق حکومت در پیوستن به کنوانسیون منع بکارگیری مین های زمینی موسوم به اتاوا را در دستور کار خود قرار داد و این تنها نهاد

غیر دولتی بود که از ابتدای کار پاکسازی مین در ایران تاسیس میشد. و در نهایت در ۱۰/۱۰/۱۳۸۷ دفتر این مرکز در تهران بدستور حکومت بسته شد و دیگر اجازه ورود هیچ نهاد غیر دولتی به حوزه مین داده نشد. خانم دکتر شیرین عبادی بعد از خروج از کشور بدلیل سیاسی به همراه خانم جودی ویلیامز از دیگر برندگان صلح نوبل فعالانه در عرصه بین المللی برای ممنوعیت بکارگیری مین های زمینی شرکت میکنند و فعالیت خود را ادامه میدهند. {۶}

راهکارها و پیشنهادات برای کم کردن حوادث انفجار مین

پاکسازی اصولی و برابر با استاندارد های جهانی و بهره جویی از امکانات بین المللی و به روز شده میتواند یکی از راهکاری اصلی کم کردن قربانیان مین باشد و تا وقتی مین ها بطور اصولی و با یک عزم واقعی پاکسازی شوند قربانی مین نیز وجود نخواهد داشت در سال ۱۳۹۲ در استان کرمانشاه اعلام اتمام پاکسازی اعلام گردید و جشن پایان پاکسازی گرفته شد ولی از آن زمان تا کنون ۱۸۷ تن قربانی انفجار مین شده اند و این عدم صداقت حکومت را در اینباره میرساند
سند اتمام پاکسازی در استان کرمانشاه



استاندارد ها در این باره چه میگویند

در آیمس IMAS ۱۰/۶۰ به صراحت در مورد استانداردهای پایان عملیات پاکسازی صحبت شده است و اگر پس از عملیات تحویل زمین اتفاقاتی رخ دهد، این نهاد ملی مین است که باید پاسخگو باشد {۷}.

(اگر سیاست آزدسازی زمین (پاکسازی) توسط دولت تصویب شود، کاربرد مناسب اصول توسط مجریان و پذیرش پروژهها توسط مقامات ملی نشان می‌دهد که سطح خطر آلودگی مینها در منطقه پس از بررسی یا پاکسازی توسط دولت پایین به نظر می‌رسد.

(اگر آلودگی ناشی از مینها در منطقه‌ای یافت شود که پیش‌تر آن منطقه خنثی شده، مینهای آن کاهش داده شده و یا پاکسازی شده بود، منازعات مسوولیتی باید در اصل بر اساس نحوه‌ی اجرای فرآیند آزدسازی زمین توسط سازمانها که در استانداردهای ملی حفظ شده است، اعمال شود. ظاهر آلودگی مینها به صورت اتوماتیک نشان می‌دهد که سازمان باید مسوول آن محسوب شود.

و باز هم در این استانداردها (آیمس) تاکید شده است که حتی پس از اتمام عملیات مینروبی نیز باید این زمینها را با دستبندی خطرناک یا کمی خطرناک تلقی کرد و علایم و هشدارها تا زمان اطمینان از عاری بودن زمین از مین نگهداری شود (IMAS ۰۹/۲ بازرسی زمین پاکسازی شده.

حال با توجه به این مستندات و ضمایم، آیا «مرکز مینزدایی جمهوری اسلامی ایران» کاری عملی در جهت بهبود وضعیت مناطق مینزده خواهد نمود؟

در نشست بیست و هشتم شورای حقوق بشر در ژنو، جمهوری اسلامی پیشنهاد پاکسازی اصولی میادین مین که توسط کشور «بوسنی» پیشنهاد داده شده بود را پذیرفت؛ اما در عمل با توجه به گذشت یکسال ونیم از این توافق، هیچ کار عملی برای پاکسازی مناطق آلوده دیده نشده است. با گذشت ۲۶ سال از جنگ ۸ ساله ایران و عراق، هنوز میادین مین و پایگاه‌های نظامی قربانی می‌گیرند و کودکان یکی از قربانیان عمده انفجار مین‌ها در ایران هستند.

۱-۱ ایجاد دوره‌ها، کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزش مردمی «آگاهی‌رسانی از خطرات مین» در فصول مختلف و مکان‌های متفاوت برای ساکنین اصلی و کوچندگان و عشایر در مناطق مختلف، با پایه‌های سنی متفاوت می‌تواند در کاهش آمار مصدومین مین تاثیر زیادی داشته باشد این آموزش‌ها مستلزم استفاده از مربیان مسلط به زبان‌های مردمان آن مناطق، جهت درک بهتر مطالب است.

۲- راهکار پیشنهادی و لازم دیگر، نصب علائم هشداردهنده‌ی ثابت و در مواردی جداسازی مناطق آلوده مین، به وسیله‌ی حصارهای غیر قابل نفوذ مانند سازه‌های بتنی و مستحکم است. استفاده از علائم قراردادی با درک تصویری و به کار بردن تابلوهای تصویری برای افراد کم‌سواد و بی‌سواد ساکن در این مناطق لازم و حفاظت مداوم و سرکشی‌های مرتب به آنها جهت اطمینان از عدم امحای علائم، از جمله راهکارهای پیشنهادی در این رابطه است.

۳- مهمترین راهکار تغییر اساسی در نحوه پاکسازی میادین مین است پاکسازی اصولی و مطابق با استاندارد های پاکسازی. تربیت مسئولان و مجموعه های اجرایی زیر نظر مرکز مین زدایی توسط سازمان های جهانی مانند gichd که در این امر فعالیت میکنند و به طور مناسب و مفید نسبت به آموزش عوامل اجرایی در عملیات مین روبی اقدام میکنند از ضروریات فعلی مرکز مین زدایی میباشد.

،مسئولیت تمام حوادث انسانی مطابق با استاندارد های بین المللی و حتی مصوبات داخلی نهاد ملی مین کشور بر عهده وزارت دفاع و مرکز مین زدایی است.

در ماده ۱۰ بند ۳ شرح خدمات پیمانکار مصوب " مرکز مین زدایی کشور " که برای پیمانکاران عملیات مین تدوین شده است؛ شرح وظیفه‌ی عامل اجرایی عملیات مین‌روبی (پیمانکار) و چون در منطقه‌ی استان گردستان و بسیاری از نقاط الوده دیگر خود مرکز مین زدایی پیمانکار بوده (کار امانی) و یا طبق مندرجات در این نامه‌های داخلی کار را به یگان‌های و یا شرکت‌های خصوصی سپرده است ملزم به اجرای بند ذیل بوده است:

ماده ۱۰ از بند ۳ شرح خدمات عامل اجرایی عملیات مین‌روبی

علامت‌گذاری بر اساس IMAS ۸/۴۰ یا روش اجرایی مصوب و ابلاغی

آی‌مس یا استانداردهای جهانی پاکسازی، ملاک عمل در این شرح خدمات است؛ پس باید دید عملکرد " مرکز مین‌زدایی کشور " از نظر این استانداردها چه گونه است.

ابتدا که این بند از استانداردها به هیچ‌وجه در قراردادهای امانی خود مرکز یا پیمانکاران دیده نمی‌شود و هیچ علامت‌گذاری در این مناطق مشاهده نشده است و همه‌ی قربانیان از عدم وجود علائم هشدار دهنده، اظهار بی‌اطلاعی نموده‌اند و تنها با یک علامت‌گذاری ساده می‌توان از بسیاری از این حوادث پیشگیری کرد. با یک گردش کوتاه در اینترنت و وارد کردن این واژه‌ها (کودکی قربانی انفجار مین شد و یا کودکان مصدوم مین و یا بازهم کودکی در اثر انفجار مین کشته شد) به این نتایج می‌توان رسید.

دو کودک مریوانی به نام‌های برزان رحیمی و محمد در اثر انفجار مین کشته و یک کودک از ناحیه پا به شدت زخمی شد ایران ۸۲/۱/۲۷

-انفجار مین پای یک جوان سردشتی را که مشغول چیدن قارچ بود قطع کرد.(ایران

۸۳/۲/۲)

محمد پورحیدر که در مهران مشغول تعلیف احشام بود، روی مین رفت و در دم جان سپرد.
(ایرنا ۸۵/۷/۱)

سیروان دولتیاری ۲۰ ساله در اثر انفجار مین در سروآباد کشته و چیا عباسی ۱۱ ساله
مجروح شد. (کیهان ۸۵/۲/۱۰)

عین‌الله عبدی از عشایر شهرستان مرزی دهلران در اثر برخورد با مین جان خود را از
دست داد. (ایرنا ۸۵/۷/۹)

یک جوان ایلامی بر اثر انفجار مین دو چشم و یک دست و یک پایش را از دست داد.
(خبرگزاری‌ها ۸۵/۱/۱۵)

یک جوان ۱۸ ساله در روستای هاوازه بانه در اثر انفجار مین درگذشت. (خبرگزاری‌ها-
اردیبهشت ۸۴)

انفجار مین در اطراف سردشت باعث مرگ رحیم شوکتی و مجروح شدن رحمان
شریف‌زاده شد. (خبرگزاری‌ها)

پسر بچه ۱۴ ساله‌ای به نام محمد در روستای سبیلان اشنویه دو پا و یک چشم خود را از
دست داد. (خبرگزاری‌ها)

انفجار مین در یکی از روستاهای سردشت باعث قطع پای دختر بچه‌ای به نام صبری
بریادی شد. (خبرگزاری‌ها)

تعداد ۵ کودک در یکی از شهرهای مرزی در یک تله انفجاری گرفتار و جان خود را از
دست دادند. (خبرگزاری‌ها)

فردین محمدی ۵ ساله در حین بازی همه انگشتان و چشمانش را در اثر انفجار مین از دست
داد. (خبرگزاری‌ها)



اگهی رسانی از خطرات مین توسط سازمان های غیر دولتی و افراد مستقل



منصور اصانلو از سندیکالیست ها و رهبران جنبش کارگری در حمایت
از مصدومین مین در روز ۴ آوریل

دوچرخه سوار سردشتی از سردشت تا مریوان را بخاطر همدردی با
قربانیان مین رکاب زد
خانم پروین ذابحی از فعالین حقوق زنان در کردستان و همیار
مصدومین مین



تأثیرات اختلالات پس از حادثه بر مصدومین مین

تأثیرات انفجار مین علاوه بر قطع عضو و دردناشی از ترکش ها تا سالها گریبان قربانی مین را خواهد گرفت. عوامل روحی و روانی حتی در خواب هم قربانی را رها نخواهد کرد.

ptsd شایع ترین بیماری در بین قربانیان مین است بیماری که صدماتش به مراتب از قطع عضو شدن بیشتر است. نگارنده خود دومرتبه در حین پاکسازی میادین مین در دهلران و شلمچه دچار انفجار مین شده و علاوه بر صدمات جسمی دچار بیماری ptsd یا اختلالات روانی پس از حادثه شده و توانسته با خوددرمانی تا حدودی به این بیماری فائق آید. در تحقیقی که نگارنده بر روی صدتن از مصدومان مین با دموگرافی مختلف انجام داده به نتایجی رسیده که در ادامه این کتابچه به آنها خواهد پرداخت.

اختلالات روانی پس از حادثه چیست؟

اختلالات روانی ناشی از جنگ که امروزه آن را اختلال استرس پس از سانحه می خوانند در زمان جنگ و بعد از جنگ نیز روی می دهد. این سندرم برای اولین بار در جنگ های داخلی آمریکا و پس از آن در سایر جنگ ها بطور علمی و پزشکی شناخته شد. اختلال ناشی از استرس پس از سانحه در جنگهای مختلف نام های متفاوتی مانند قلب تحریک پذیر (جنگ داخلی آمریکا)، سندرم تلاش (جنگ جهانی اول)، واکنش استرس (جنگ جهانی دوم) و اختلال استرس پس از سانحه (جنگ ویتنام) و بالاخره سندرم جنگ خلیج فارس داشته است. نام های دیگر این سندرم، سندرم بازگشت از نبرد، نوروز نبرد، شوک انفجار و نوروز جنگ می باشد. علایم اختلال پس از سانحه نه فقط در کسانی که در خط مقدم جبهه حضور داشتند بلکه در یک چهارم افرادی که مشاهده گر خشونت بودند نیز مشاهده می گردد. در این مبحث تمرکز ما بر روی قربانیان انفجار مین ها است که عده کثیری از قربانیان تبعات جنگ به حساب می آیند. {۸}

این سندرم نیز در کسانی که خیلی زود از والدین خود جدا شده اند و در کسانی که در خانواده آنها افسردگی، اضطراب و نورو تیسیم وجود داشته است، نیز مشاهده می گردد. این

سندرم ممکن است در جریان شکنجه، سوانح طبیعی، تهاجم، تجاوز به عنف، تصادفات شدید مثل تصادف اتومبیل یا آتش سوزی در ساختمان به وجود آید.

اصطلاح PTSD در سال ۱۹۸۰ بعد از انتشار سومین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی (DSM-III) مطرح گردید PTSD. در کهنه سربازان جنگ به طور کلی به وسیله یادآوری همزمانی از تجربه مجدد، برانگیختگی، و علائم بی حس کننده و اجتنابی مشخص می شود. برانگیختگی بالا در بسیاری از آنان مشکل خواب ایجاد و میزان تمرکز را کاهش می دهد و موجب کاهش عمل کرد شغلی می شود. {۹}

تحریک پذیری بیش از حد و در بعضی از موارد فراموشی نیز در اثر این اختلال ایجاد می شود. به هر حال کهنه سربازان جنگ جهانی دوم، حتی پس از گذشت ۶۰ سال در جستجوی درمان این اختلال می باشند

)

از معهود اختلالات روان پزشکی است که بر اساس علت تعریف شده است. در واقع بدون وجود استرسور (یا آسیب) این اختلال نمی تواند ایجاد شود. به هر حال واقعه آسیب زا به تنهایی جهت تشخیص، کفایت نمی کند و بسیاری از افرادی که تحت استرس قرار می گیرند، به این اختلال مبتلا نمی شوند. احتمالاً تعاملی بین حادثه و قربانی وجود دارد. علائم PTSD با اهمیت و معنایی که فرد برای عامل فشارزا قائل است؛ یعنی، آن را برای خود خطرناک احساس کند، رابطه زیادی دارد. بین شدت استرسور و علائم PTSD ارتباط مستقیمی وجود ندارند. افرادی در معرض خطرابتلا هستند که ترسو باشند، احساس عدم حمایت می کنند، بسیار خجولند، یا احساس گناه زیادی دارند.

PTSD را باید با در نظر گرفتن عوامل زیست شناختی قبلی، عوامل روانی - اجتماعی قبل از آسیب، خصوصیات عامل استرس زا، زمان و مکان حادثه، ویژگی های موقعیتی و شخصیتی و شرایط بعد از آسیب مورد بررسی قرار داد. به علاوه معنای ذهنی عامل استرس زا نیز اهمیت دارد. اختلال استرس پس از سانحه یکی از عوارض شایع جنگ می باشد. در طول جنگ عراق و ایران این اختلال یکی از عوارض برجسته روانی بود که در رزمندگان مشاهده گردید. {۱۰}

از بهترین درمان ها برای افرادی که علاوه بر معلولیت ناشی از انفجار مین دچار این بیماری روحی و روانی شده اند بهبود حداقلی وضعیت معیشت آنها و آرامش نسبی زندگی است که متأسفانه در ۷۰ درصد از جامعه هدف این تحقیق چنین چیزی دیده نشد و اکثریت مصدومین مین در جامعه با حل نشدن مسائل بروکراسی اداری برای تعیین وضعیت پرونده روبرو هستند. کودکان مصدوم مین که علاوه بر قطع اندام های حرکتی و بعضاً دیگر اندام با دیدن وضعیت والدین برای تامین هزینه درمان دچار افزایش استرس شده و بیماری آنها بشکل مضاعفی افزایش خواهد یافت و موجب صدمات جسمی بیشتری خواهد شد از جمله این صدمات که در مواردی دیده شده است .

گاهی عوارض ناشی از موج انفجار شدیدتر و وخیمتر از جراحات ناشی از ترکش است و می‌تواند مریض را به سمت ARDS و خونریزی مغزی پیش ببرد در موردی در مریوان فرد مصدوم بر اثر سکنه قلبی در نیمی از بدنش در سال بعد از حادثه فلج شد .

بر طبق گزارشات Kemmerer شایعترین و قابل درمان‌ترین علل که بلافاصله در بیماران ترومایی باعث مرگ یا انسداد عروقی منتهی به ایست قلبی می‌شوند اختلالات قلبی نفسی است. این اختلالات قلبی تنفسی شامل :

پنوموتوراکس باز انسداد راه هوایی ، پنوموتوراکس فشارنده ، Flail chest ، هموتوراکس وسیع ، تامپوناد قلبی ، آمبولی هوا می‌باشند. تمامی این عوارض اگر مورد توجه قرار گیرند و سریعاً درمان شوند بیمار از مرگ حتمی نجات پیدا می‌کند. علاوه بر شناخت عوارض ناشی از صدمات قفسه سینه ، شیوع این عوارض نیز مهم است. مثلاً در صدمات شدید قفسه سینه در ۲۰٪ موارد کوفتگی یا Contusion میوکارد ایجاد می‌شود و کوفتگی میوکارد در ۲-۳٪ موارد باعث آریتمی می‌شود. با توجه به شیوع بالای کوفتگی میوکارد در صدمات غیر نافذ و شدید قفسه سینه چک آنزیمهای قلبی و گرفتن نوار قلب در این بیماران از اقدامات تشخیص ضروری می‌باشد. اگر آنزیمهای قلبی افزایش بیابند و تغییرات واضح در نوار قلب داشته باشیم تا حدود زیاد تشخیص کوفتگی میوکارد مسجل می‌گردد و در پیگیری و مراقبت ، این بیمار با بیماری که صدمه غیر نافذ و ساده‌ای به قفسه سینه دارد متفاوت خواهد بود. تنها راه پیشگیری از این نوع از بیماری ایجاد فضای آرام وبدون استرس برای مصدوم و حتی اطرافیان مصدوم است {۱۱}

در این میان کودکان آسیب پذیر ترین دسته در میان مصدومان مین هستند و به لحاظ فراوانی ۳۶ درصد از مصدومان مین را در ایران تشکیل داده اند. کودکانی که کودکی شان در لابه

لای دود ناشی از انفجار مین به هوارفت و شرایط بعد از انفجار نیز شرایط مطلوب و قابل قبولی هرگز برای کودکان مصدوم نخواهد بود .

علائم بیماری در مصدومین انفجار مین

علائم PTSD می تواند بعد از یک تاخیر چند هفته ای و یا چند ماهه شروع گردند. آنها معمولاً در طی ۶ ماه پس از حادثه ناگوار ظاهر میگردند. بسیاری از بیماران، احساس غم عمیق ، افسردگی ، اضطراب، احساس گناه و یا عصبانیت می کنند. به غیر از این احساسات قابل درک، سه نوع عمده علائم دیگر هم وجود دارند:

۱- فلش بک و کابوس:

آن حادثه و صحنه دلخراش دائماً پیش چشم فرد تکرار می شود. این علامت ممکن به صورت فلش بک (تکرار حادثه در ذهن و خیال و حتی در خواب) ظاهر شود .

۲- دوری گزینی و بی تفاوتی : دوباره زنده کردن خاطرات ممکن است بسیار افسرده کننده باشد بنابراین ممکن است فرد بخواهد به آنها بی توجهی کند.

۳- در حالت گارد به سر بردن (On guard): فرد ممکن است همیشه در حالت آماده باش بسر ببرد، گویی که منتظر خطر می باشد. فرد نمی تواند احساس آرامش کند. احساس اضطراب دارد و به سختی به خواب فرو میرود(۱)

مصدومین مین که علاوه بر جراحات در اندام ها به این بیماری روحی مبتلا هستند بسیار در معرض خودکشی و افسردگی هستند .نگاه جامعه با حسی از ترحم همراه است و در مورد خانواده نیز مادر و پدر فرد مصدوم یا همسر نیز در معرض این بیماری قرار میگیرند .{۱۲}

درمان

درمان این بیماری به روشهای دارو درمانی و رواندرمانی ممکن است .

رواندرمانی: همه انواع رواندرمانی های موثر در PTSD ، بر روی آن حادثه ناگوار که علائم را ایجاد کرده اند تمرکز می کنند نه بر روی زندگی گذشته بیمار. فرد نمی تواند آنچه را که اتفاق افتاده است تغییر دهد و یا فراموش کند اما می تواند یاد بگیرد طور دیگری درباره آن ،درباره جهان و درباره زندگی فکر کند .فردباید قادر باشد آنچه را که اتفاق افتاده

است تا آنجایی که ممکن است بدون اینکه دچار وحشت و اضطراب شود به خاطر آورد حوادث ناگواری که داشته است را به زبان آورد {۱۳}

درمان در مورد مصدومین مین در ایران کمی پیچیده تر است. دیدن محل حادثه که معمولاً در محل زندگی افراد است بر اثرات این بیماری می افزاید. تجربه مجدد حادثه برای افرادی که قربانی انفجار مین شده اند هر لحظه وجود دارد بطور مثال در روستای نشکاش در حوالی مریوان در استان کردستان مهرماه ۹۲ هفت کودک در اثر انفجار مین کنار مرکز روستا مصدوم شدند از بین این هفت کودک در حال حاضر ۵ کودک در همان روستا زندگی میکنند و هنوز نهاد ملی مین این روستا و پایگاه متروکه مشرف بر روستا را پاکسازی نکرده است و این میتواند دلهره هر روزه ای را برای این کودکان رقم بزند که روند درمان را منتفی کند



روایت تصویری مصدومان مین

آنچه که در پی می آید داستان زندگی و روایت تصویری مصدومانی است که نگارنده خود با آنها دیدار داشته و با بیماری PTSD دست و پنجه نرم میکنند .
در سالها پیش تر آمنه دختر ۱۵ ساله ایلامی که هر دوپایش را در حادثه انفجار مین از دست داده بود کار ناتمام مین را خود به پایان رساند و در غروب یک روز پاییزی متاسفانه خودکشی کرد و مرد و این تلخ ترین نوع از این دست بیماران بود که طاقت زندگی پررنج و درد را نداشت

داستان اول

گشین کریمی و کودکان نشکاش

در مهرماه ۱۳۹۲ هنگام تعطیلات عید قربان ۶ کودک از اهالی روستای نشکاش در حوالی مریوان و یک دختر بچه که مهمان شان بود در زیر درخت گردوی وسط روستا در حال توپ بازی بودند که گشین دخترک کرد بجای ضربه زدن به توپ پایش به مینی میخورد که از پایگاه متروک بالای روستا به درون روستا خزیده بود و حادثه را رقم زد .
پس از حادثه انفجار مین، پای " گشین " به علت شدت جراحت متاسفانه از ناحیه پایین تر از قوزک پا قطع شد و پس از مدتی به علت عفونت، مجددا تحت عمل جراحی قرار گرفت و دیگر بار از چند سانتی متر پایین تر قطع شد که بیمارستان مبلغ زیادی را از خانواده این کودک طلب کرد. خانواده این کودکان از تهی دست ترین افراد کردستان هستند پدر " گشین " کارگر فصلی است که گاهی اوقات برای کار به اقلیم کردستان عراق میرود و دیگر والدین این ۷ کودک نیز اوضاع به مراتب بدتری دارند . پس از طی شدن حدود یک سال و نُه ماه از این حادثه، " بنیاد جانبازان " و " کمیسیون ماده دو استانداری " با وجود اعلام درصد ۳۵ درصد برای " آلا " و ۴۵ درصد برای " گشین "، هیچ مستمری و حقوقی برای آنها تعیین نکرده است و تنها برای ایشان دفترچه و بیمه طلایی صادر شده که فقط در بیمارستان های طرف قرارداد دولت معتبر است که این بیمارستان ها نیز از کیفیت درمانی خوبی برخوردار نیستند. رشد کودک بعد از سه سال از این حادثه نیاز به تعویض پورتز پا

را می‌طلبد و این معضلی است که خانواده "گشین" به دلیل ناتوانی مالی قادر به انجام آن نبوده و این کودک قربانی در شرایط خیلی سختی بسر می‌برد.
هنوز هم این کودکان از خدمات حمایتی و مستمری دولتی بی بهره اند ..



تصویر گشین کریمی و خه بات ...



داستان دوم بچه های لنگریز

فرشاد یعقوبی کودک ۱۱ ساله ای بود که با پسر خاله اش بهزاد ابراهیمی ۱۲ مرداد سال ۱۳۹۴ در حین چرای گوسفندان با مین برخورد کردند و بهزاد ۱۲ ساله در دم کشته شد و فرشاد ماند و نابینای یک چشم و ترکش های زیاد و کابوس شبهای باقی مانده عمرش . منطقه اعلام پاکسازی شده بود و پدر بهزاد ابراهیمی که جانش را از دست داد هنوز هم باور نمیکنند که فرزندش هرگز از صحرا برنخواهد گشت ... فرشاد هنوز هم تصویر آن روز بد را فراموش نکرده و حاضر نیست به اطراف روستا برود



داستان سوم

ناصر راشدی

ناصر راشدی که الان بیست و پنج ساله است در یازده سالگی در اطراف بستان و در جنگل ام قر هنگام چرای گوسفندان با مین برخورد نموده و یک پایش را از دست داد. ناصر هم اکنون ساکن شهر بستان است و ازدواج کرده و پسری دارد که هیچ گاه نخواهد گذاشت که به آن منطقه برود.





داستان چهارم سعیدیه نظری

سعیدیه نظری که در روستای شیخ صله از توابع استان کرمانشاه زندگی میکند هنگامی که در حال ساخت مدرسه در کنارخانه اش به عنوان کارگر کار میکرد با مین برخورد نمود و هر دو دستش از مچ قطع شد و ترکش های زیادی به بدنش اصابت کرد سعیدیه هنوز هم در روستای شیخ صله زندگی میکند و هنوز هم اطراف تنها مدرسه روستا الوده به مین است



داستان پنجم

آرمین یوسفی پور

آرمین هنگام بهار و تعطیلات نوروزی سال ۱۳۹۳ در روستای شیخ صله در استان کرمانشاه شئی منفجره میبیند و به جای اسباب بازی از آن استفاده میکند و آن شئی که ماسوره یک نارنجک بود در دستانش منفجر شد و چشم و پای راستش دچار جراحت ناشی از ترکش شد



داستان ششم بگم جان رحمانپور

بگم جان رحمانپور برای آوردن گیاهان بهاره به کوه های اطراف دزلی رفت در بلندی های هورامان وقتی که تنها بود و همراهانش چند کیلومتری از او دور شده بودند با مین برخورد کرد و یک پایش را از دست داد در همان حال وبعد از بستن پای قطع شده و جلوگیری از خون ریزی مسیری را که آمده بود با سینه خیز به پایین رفت تا توانست کسانی را به کمک

بطلبد و خود را به مریوان رساند و زنده ماند و هم اکنون در روستای دزلی در حال زندگی است

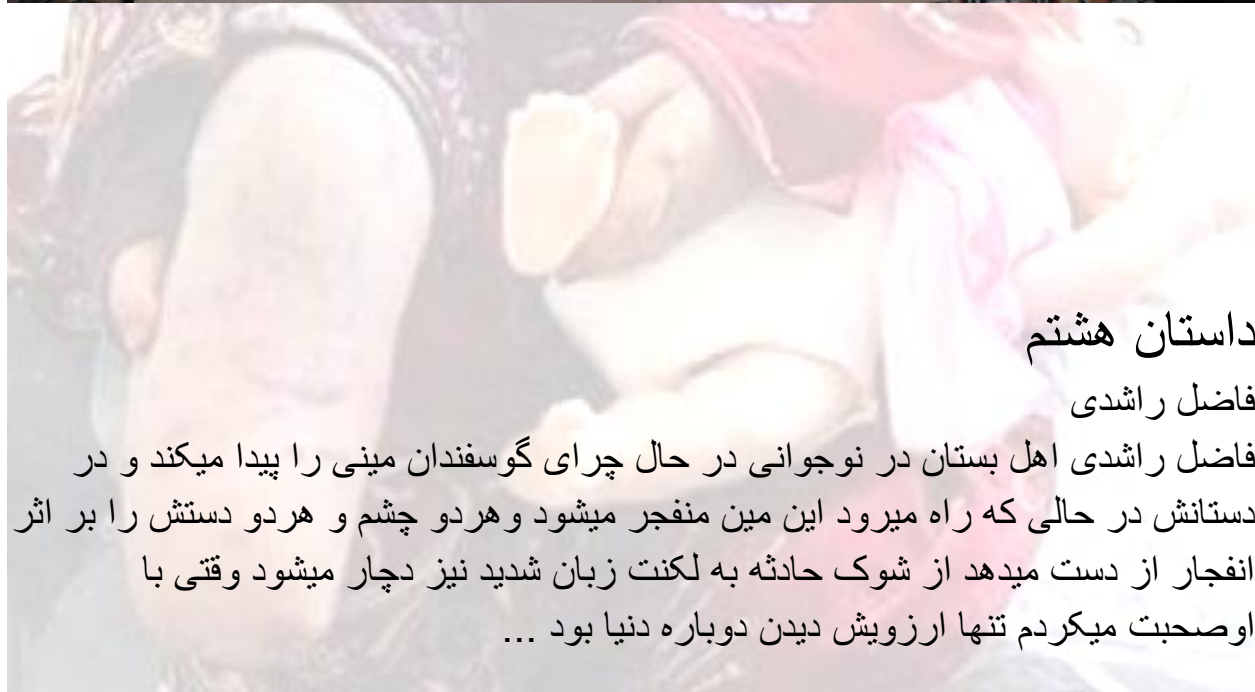


داستان هفتم

داستان خانواده راشدی

خانواده جبار راشدی پرتعدادترین مصدوم را در بین یک خانواده در کل مناطق الوده در کشور را دارند در سال ۸۳ همه اعضای خانواده در مسیر کوچ به منطقه چزابه در حالی که سوار وانت بودند در مسیر بستان به چزابه حوالی تپه های الله اکبر با مین ضد تانک برخورد کردند و سه تن از اعضای خانواده در دم کشته شده شدند و پای آقای جبار راشدی قطع شد و دوباره در حادثه ای دیگری که پسر عموی آقای راشدی اینبار راننده بود در مسیر جنگل ام القر با مین برخورد کرده که این بار نیز پسر عموی ایشان کشته میشود و آقای

جبار راشدی دچار مصدومیت میشود. همسر ایشان در سال ۶۷ در حادثه ای جداگانه و در حال ساختن خانه پدری در سوسنگرد با مین برخورد کرده بودند و پایش قطع شده بود .. تصویر نقاشی آقای جبار راشدی از اولین حادثه که فرزند و خواهر و پسر عمویش را از دست داده و این حادثه را خودش نقاشی کرده و در اتاقش نصب کرده است



داستان هشتم

فاضل راشدی

فاضل راشدی اهل بستان در نوجوانی در حال چرای گوسفندان مینی را پیدا میکند و در دستانش در حالی که راه میرود این مین منفجر میشود و هردو چشم و هردو دستش را بر اثر انفجار از دست میدهد از شوک حادثه به لکنت زبان شدید نیز دچار میشود وقتی با اوصحبت میکردم تنها از رویش دیدن دوباره دنیا بود ...



داستان نهم

۵ کودک کنجانچم ایلام

روز ۱۷ اسفند سال ۱۳۹۳، کودکان مدرسه عشایری «کنجانچم» در حادثه انفجار مین مصدوم و کشته شدند. «محمد هادی» در این حادثه جانش را از دست داد و چهار کودک دیگر مجروح شدند. این کودکان کودکان عشایری بودند که از منطقه میشخاص در استان ایلام به مناطق گرمسیری جنوبی استان ایلام آمده بودند و در مدرسه ای عشایری درس میخوانند. آنروز محمد هادی امیر حسین و امیر محمد و دودوست دیگرشان در حال بازگشت از

مدرسه با مین برخورد کردند و به اهواز انتقال داده شدند در ابتدا یگ پای محمد هادی قطع شد و امیدواری برای زنده ماندن وجود داشت اما در روزهای بد محمد هادی کوچولو طاقت درد را نداشت و پر کشید و رفت امیر حسین و امیر محمد هم با درد های زیادی دست و پنجه نرم میکنند چشم مهدی در حال نابینایی است و هر دو دست محمد سوخته است



روایت دهم حمید نظری

حمید نظری به هنگام کار به همراه خواهرش سعیدیه نظری در حالی که کودک ۸ ساله ای بود در کنار خواهرش بود که انفجار مین باعث قطع شدن دست خواهرش و ترکش خوردن خودش شد و تا کنون هنوز این حادثه را فراموش نکرده و کابوس های مداومش دیدن این حادثه در خواب است .. حمید بعد از حادثه منزوی و گوشه گیری را اختیار کرده و به اجبار خانواده بیرون میرفت ..



روایت یازدهم

زهرا سلیمان پناه

زهرا متولد سال ۱۳۷۰ در روستای باوه در سردشت است وقتی دوازده سال داشت به همراه مادرش در فصل بهار برای کندن علف های بهاره به کوه های اطراف رفتند که در همان محل شیی را میبیند و به خیال کودکانه خود میخواهد با آن شئی بازی کند و در درستان منفجر میشود و بینایی هر دو چشمش را برای همیشه می گیرد. آرزوی زهرا درس خواندن در رشته وکالت است تا بتواند از مصدومین مین فراوانی که در سردشت هستند حمایت کند .



روایت آخر

پرستو محمدی

تلخ ترین روایت روایت پرستو محمدی است داستان پرستو محمدی دختر گُرد اهل سرپل ذهاب از همه برایم دردناکتر بود.

به گفته‌ی پدر پرستو در بهار ۸۶ هنگام کوچ فصلی، پرستو و پسر عمویش در منطقه “بمو” در نزدیکی شهر تازه‌آباد با مین برخورد می‌کنند و پسر عموی کوچک‌تر در جا کشته می‌شود و پرستو ماند تا دردی بدتر از مردن را تحمل کند.

پرستو بر اثر انفجار مین مجروح می‌شود و ترکش‌های زیادی به بدنش اصابت می‌کند. اما دردناکترین از عواقب جسمی این حادثه برای پرستو، صحنه‌ی مرگ پسر عمو در پیش چشمان او به تکرار کابوس زندگی‌اش می‌شود و پس از آن اتفاق بخشی از حافظه‌اش را از دست می‌دهد.

اما این پایان ماجرا نیست... خانواده پرستو از معتقدان به آیین یاری هستند. یارسان یا اهل‌حق مردمی در منطقه کرمانشاه هستند که به آیین باستانی و کهن یاری معتقدند، آیینی که هنوز از سوی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته نشده و همیشه پیروان آن از بیشتر حقوق اولیه شهروندی عادی نیز محروم بوده‌اند. در کنار این تبعیض‌ها عدم امکان استفاده از خدمات دولتی برای درمان پزشکی وضعیت پرستو را به عنوان یک دختر کرد یارسان با مشکلات جسمی و روانی ناشی از انفجار مین، بدتر می‌کند.

نهایتاً پدر و مادر پرستو که دامدار هستند تنها راه بهتر شدن وضعیت پرستو را ازدواج او می‌دانند و پرستو را به عقد مردی در می‌آورند، که کارگر فصلی است و توانایی تامین هزینه‌های بیماری پرستو را ندارد. در نتیجه وضعیت پزشکی پرستو بدتر می‌شود. بعد از یکسال زندگی مشترک، پرستو صاحب فرزندی می‌شود، اما نگهداری از بچه برای او که خود به لحاظ جسمی بیمار است و از لحاظ ذهنی هم دچار آسیب جدی شده است، سخت است و همسر وی نیز به بهانه‌ی عدم توانایی در قبول مسولیت زندگی و نگهداری از کودک، پرستو را نزد مادر و پدرش می‌فرستد.

داستان پرستو، داستان پردرد و تلخ دختر گُردی است که از یک طرف قربانی انفجار مین می‌شود و از سوی دیگر تبعیض در حقوق شهروندی و خدمات دولتی وی را در شرایط

غیر انسانی‌تری قرار داده است. صدها پرستوی دیگر در بین قربانیان انفجار مین هستند که نیازمند رسیدگی‌های ویژه هستند. دولت در برابر این قربانیان مسول است و در همین رابطه در کمیسیون حقوق کودک شورای حقوق بشر به صراحت در مورد کودکان قربانی مین در تاریخ پنجم فوریه همین امسال به هیئت جمهوری اسلامی ایران تذکرات لازم داده شده است. قبل تر نیز در نشست بیست و هشتم شورای حقوق بشر کشور بوسنی به جمهوری اسلامی پیشنهاد پاکسازی اصولی میدین مین را داد که جمهوری اسلامی نیز این پیشنهاد را پذیرفت ولی تا کنون هیچ اقدامی برای این پیشنهاد انجام نداده .. متأسفانه بدلیل شرایط روحی پرستو اجازه عکس گرفتن را به من نداد ...

سخن آخر

سخن نگارنده

به مدت ۱۳ سال کار پاکسازی مین را در هر پنج استان الوده کشور در بخش های مختلف از پاکسازی دستی به عنوان یک مین بردار و در بخش مکانیکال یا ماشینی با مین کوب و بلدوزر و در سطح مدیریتی انجام دادم. در حین پاکسازی دومرتبه مجروح شده و روزها در بیمارستان بستری بودم خود دچار بیماری PTSD هستم و با کوشش و خوددرمانی سعی کرده که اثرات این بیماری را کم کنم .

سخت ترین روزهای زندگیم را روزهای تشکیل دادند که برای مصاحبه با این مصدومان در هر ۵ استان آنها را دیدم و پای صحبتشان نشستم همانطور که در بخش های مختلف این کتابچه نوشتم کاستی های دولتی در قبال مصدومان مین بیشتر از حد ممکن است این مصدومان به حال خود رها شده ورنج هایشان مضاعف شده است. حمایت ها یا وجود نداشت یا اگر هم بود انقدر کم بود که بخش کمی از مشکلات را پوشش میداد و

با آرزوی زمینی پاک و عاری از مین برای کودکان و همه ساکنین جهان

عیسی بازیار
از میر .. ترکیه

۸_ خسارات انسانی ناشی از انفجار مین، تهران، پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان، ۱۳۸۵، سرپرست طرح: احمدرضا سروش، ص ۱۲

۹_ لاست، سینتیا و هرسن، میشل، مطالعات موردی در رفتار درمانی بزرگسالان، مترجم، حسن صبوری مقدم، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی. ۱۳۷۸

۱۰_ یعقوبی عبدالعلی . تشخیص و درمان اختلال فشار روانی پس آسیبی (PTSD) در جانبازان نشانی تهران پایگاه اطلاع رانی نوید

۱۱_ (نوحی، سیما و همکاران، ۱۳۸۵).

۱۲_ خسارات انسانی ناشی از انفجار مین، تهران، پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان، ۱۳۸۵، سرپرست طرح: احمدرضا سروش، ص ۱۲

۱۳_ کارلسون، کارن، ۲۰۰۴